آنچه خواهد بود و نخواهد بود

نجفی، محمد علی

عنوان دفتر شعریست از عبد الوهاب بیاتی یکی از شعرای بنام عرب اهل‏ عراق با 18 قطعه مربوط به چهرهء زندگی نفسانی عمر خیام ما،چهره‏ای که‏ در همهء دوران چشم بدو دارد منتظر-است.

آنچه را که خواهد آمد!

و نخواهد آمد!

و اینک اولین قطعه:

دوران کودکی

در دوزخ نیشابور دیدم دنیا را دو بار خود را گشتم و دو بار گم کردم گنجشک و نخ را گل زنبق خریدم ببهای نانم‏ و تاج مدینهء فاضله دور دست در ساختم ببهای دارو برای زمین،مادر ما که در هر لحظه تولدی دارد و خوابم روی خاک گذرگاه‏ها بود، پروانه‏ها را شکار کردم و اسیر دام روشنائی گشتم‏ در دام ابرهای پائیزی،جنگها،و گلها با ستارهء صبح گفتگو کردم‏ باغنچه گل خواهد بود؟ حقیقتی خواهد بود؟ از این دروغ سترک عیان! کودکی رنج‏بار ابلهانهء من‏ پروانه‏ای بود کور آدمها زود گذر در شهر آهن و سنگ‏ پاروها را بالا رفتند و گستردند دامها را دستش را بسویم دراز کرد و گفت‏ ترا عاشقم‏ فرشته لبخندی زد و پنهان گشت در دیوار ای پرندهء کور عاشق و ای گنجینهء رازها کشتی حرکت کرد در پهنهء دریا،در جستجوی شهری، شهری بی‏گدا شهری که نساید گدائی پیشانی‏اش را بر دری‏ و کشتی بازگشت در پسین بشهر و گدا به پشت آن سوار خمیده قد،بدون چشم‏ لاشه‏های شکم پاره‏ این خیابان نفتی را بسته‏اند کی،کی ای پیر زال‏ آسمان خواهد بارید و حقیقت چشم خواهد زد از این پس مانده منجلاب!